سنت هاى الهى در قرآن

با مشاركت: نگار بخشى, شاه حسين مطهرى فرد و مرضيه ولى پور

مفهوم شناسى

سنت در لغت به معناى راه, سيره و روش, (قانون و شريعت)1 است, چه نيك باشد و چه بد. البته در متون دينى بيشتر به سيره و روشى گفته مى شود كه مردم از آن پيروى مى كنند. سنت را از آن رو سنت گفته اند كه زندگى فردى, اجتماعى و نظام هستى بر اساس آن اداره مى شود. تركيب اضافى (سنة الله) عبارت از روشى است كه خداوند متعال از روى حكمت خويش, حسب رفتار و سلوكى كه مردم با شريعت او دارند, نسبت به آنان, اعمال مى دارد.2

منظور از سنت الهى اين است كه پديده هاى عالم, محكومِ يك سلسله قوانين ثابت و لا يتغير مى باشند كه به وسيله قانون گذار حقيقى در جريان است; يعنى مجراى تحقق اراده الهى بر كل هستى, همين قوانين ثابت هستند كه در تمام هستى بر قرارند. اين مطلب نشان مى دهد كه قانون علت و معلول و سبب و مسبّب در جهان هستى برقرار مى باشد; به ديگر بيان, جهان, قانون مند است.

اهميت و ضرورت بحث از سنت هاى الهى

سنت هاى الهى, ثابت و تغيير ناپذيرند و محدود به زمان خاصى نمى باشند, از اين رو اگر در باره سنت ها و قوانين الهى با نگاه به گذشته مطالعه و بررسى كنيم و سنت هاى خدا را در موضوعات مختلف بشناسيم, مى توانيم شرايط موجود را تجزيه و تحليل كرده و سرنوشت حال و آينده خود را رقم زنيم. اگر با سنت الهى آشنا نباشيم, بر اساس آزمون و خطا عمل خواهيم كرد كه موجب اتلاف وقت و انرژى و سرمايه هاى ما خواهد شد. (بسيارند كسانى كه از برابر صحنه هاى مختلف تاريخ به آسانى مى گذرند, بدون اين كه كمترين انديشه اى در آن كنند و نيز بسيارند كسانى كه به جاى بررسى علل و عوامل اصلى و زير بنايى حيات و مرگ ملت ها, گناه را به گردن عوامل كم اهميت كه نقش اساسى را به عهده ندارند و يا عوامل موهوم و خرافى و خيالى, مى اندازند. )3

(قرآن انگشت روى نقطه اصلى دردها و درمان ها و عوامل پيروزى و شكست گذاشته و مى گويد: براى يافتن عامل اصلى, لازم نيست آسمان ها و زمين را جست جو كنيد و يا به دنبال عوامل موهوم و پندارى راه بيفتيد, بلكه كافى است تنها در وجود, در فكر و روحيه و اخلاق خود و در نظامات اجتماعى خودتان جست جو كنيد, هر چه هست, در اين جاست. )4

قرآن كريم زمان حال را با گذشته پيوند مى دهد و پيوند فكرى, فرهنگى و اجتماعى نسل حاضر را با نسل هاى گذشته براى درك حقايق, لازم و ضرورى مى داند, چرا كه سنت هاى الهى در اقوام گذشته جنبه عمومى دارد و منحصر به قوم و قبيله و نژاد خاصى نيست.

هان اى دل عبرت بين از ديده نظر كن هان ايــوان مــدائــن را آيـيـنــه عـبـرت دان

(بديهى است مراد از ذكر سنت هاى مقرر الهى در حق امت هاى پيشين, از آن روى است كه مردم پند پذيرند و به آنان گوشزد شود كه اين سنت ها فريادگرند و اگر كسى مرتكب اعمالى شود كه آنان شدند, قطعاً همان سنت هاى معمولِ در حق گذشتگان گريبانگير آنان نيز خواهد شد. )5

اقسام سنت هاى الهى

از آموزه هاى دينى استنباط مى شود كه هدف خداوند از آفرينش اين است كه بشر با اختيار كامل و حق انتخاب بتواند به كمال نهايى برسد و به جوار قرب ربوبى دست يازد. انسان موجودى مسئول و مختار است و هر عملى كه از روى اختيار انجام مى دهد, او را مشمول سنتى از سنن الهى مى كند و از نتايج آن برخوردار مى سازد.

در اين جا به برخى از سنت هاى الهى اشاره مى كنيم:

1 ـ سنت امتحان:

يكى از سنت هاى عام خداوند, سنت امتحان است. اين امتحان نه به قشرى خاص از افراد مربوط است و نه در زمان و مكانى مشخص صورت مى پذيرد. ما امور روزمره زندگى را اغلب جرياناتى عادى و نه آزمايش و امتحان تلقى مى كنيم و مى پنداريم امتحانات الهى به لحظات سرنوشت ساز و استثنايى زندگى اختصاص دارند و در چنين لحظاتى است كه ايمان آدمى به بوته آزمايش كشيده مى شود. در صورتى كه با نگاهى دقيق در مى يابيم هر ساعت از عمر ما با ده ها و شايد صدها امتحان همراه است و شكست و پيروزى لحظه به لحظه در پرونده عمل ما ثبت مى گردد.

هدف از امتحان الهى, شكوفا كردن استعدادهاى بشر و آشكار نمودن باطن و حقيقت آدمى و خالص ساختن وجود انسان و مشخص كردن شايستگى هاى آنان و مراتب افراد و جدا نمودن افراد نيكوكار از بد كار است. بدون امتحان و آزمايش, افراد مستعد به آن درجه از كمال كه بايد برسند نمى رسند و نيروهاى درونى و نهفته آنان به صورت بالقوه مى ماند و به فعليّت نمى رسد: (احسب الناس ان يتركوا ان يقولوا آمنّا و هم لا يفتنون;6 مردم مى پندارند كه چون بگويند: ايمان آورديم, رها شوند و آزمايش نمى شوند؟)

ابزار آزمايش الهى, هم چيزهايى است كه مورد پسند و دلخواه انسان هاست و هم چيزهايى است كه مردم آنها را نمى پسندند, كه مواردى از آن را به طور خلاصه مى آوريم:

الف) گاهى خداوند بندگانش را با زينت هاى دنيايى مى آزمايد: (سوره كهف, آيات 7 ـ 8).

ب) گاهى انسان ها را با تفاوتى كه در ميان آنها مى گذارد, مى آزمايد: (سوره انعام, آيه 165).

ج) گاهى مؤمنان را با سختى ها و شدايد امتحان مى كند: (سوره بقره, آيه 214).

د) گاهى آنان را با جهاد مى آزمايد: (سوره آل عمران, آيه 142).

هـ)گاهى بندگانش را با آرزوهايى كه از سوى كافران به آنها مى رسد, آزمايش مى كند: (سوره آل عمران, آيه 186).

به طور كلى از مجموع آيات امتحان نتايج زير به دست مى آيد:

1 ـ سنت آزمايش, هم در امور فردى جريان دارد و هم در شئون اجتماعى.

2 ـ هيچ فردى از آزموده شدن گريزى ندارد.

3 ـ وسايل آزمايش عبارت اند از: الف) خيرات; مانند: مال, جان, فرزند و قدرت.

ب) شرور; مانند: كاهش اموال, نفوس, ميوه ها, و تنگ دستى, سختى, گرسنگى و ترس.

4 ـ بر اثر آزمايش, مؤمنان, مجاهدان و صابران و صادقان از مدعيان دروغين ايمان و صبر و صدق, متمايز و ممتاز مى شوند.7

2 ـ سنت هدايت

(ربنا الذى اعطى كل شى خلقه ثم هدى;8 پروردگار ما كسى است كه آفرينش هر چيزى را به او داد و سپس آن را هدايت كرد. )

هدايت اوليه اين است كه خداوند نعمت عقل را به انسان ها داد تا حقايق را بفهمند و خوب و بد را تشخصى دهند. هدايت ثانويه به وسيله فرستادن پيامبران صورت گرفت تا همه امت ها از سنت هدايت بهره مند گردند.

(و لقد بعثنا فى كل امةٍ رسولاً;9 و در هر امتى پيامبرى برانگيختيم). بر اساس اين سنت, خداوند دلايل كافى براى قبول دعوت پيامبران در اختيار امت ها قرار مى دهد و راه را از چاه مشخص مى نمايد تا آنان هدايت شوند و راه كمال و سعادت را بپيمايند.

3 ـ سنت امداد

كلى ترين سنتى كه خداى متعال در پى اَعمال انسان ها اعمال مى كند, سنت امداد است; بدين معنا كه خداى بزرگ در پى اعمال انسان ها, هم كسانى را كه طالب دنيا و كمالات مادى و دنيايى باشند كمك مى كند و هم كسانى را كه جوياى آخرت و كمالات معنوى باشند; يعنى وسايل پيشرفت و رسيدن به هدف را براى هر دو دسته فراهم مى سازد.

قرآن مى فرمايد: (هر كه كشت آخرت را بخواهد به كشته اش مى افزاييم و هر كه كشت دنيا را بخواهد از دنيا چيزى به او مى دهيم و او را در آخرت بهره اى نخواهد بود).10 اين همان معناى رحمانيت خداوند است كه فيض و رحمت او در اين دنيا همه انسان ها, اعم از مؤمن و كافر را شامل مى شود.

4 ـ سنت امهال

از سنت هاى تغيرناپذير الهى, سنت امهال است. امهال يعنى (مهلت دادن تا مدت معيّن).11 خداوند به كافران مهلت مى دهد تا در نعمت هاى الهى غوطه ور شوند و هر چه دلشان خواست گناه كنند تا عذابشان شديدتر گردد. او از روى رحمت افراد گناه كارى را كه زياد آلوده نشده اند, به وسيله زنگ هاى بيدار باش مانند مصايب و مشكلات, از خواب غفلت بيدار مى سازد; اما كسانى را كه قابل اصلاح نيستند, به حال خودشان وا مى گذارد تا به آخرين مرحله سقوط برسند.

(آنها كه كافر شدند تصور نكنند اگر به آنان مهلت مى دهيم به سودشان است; ما به آنها مهلت مى دهيم تا بر گناهان خود بيفزايند و براى آنها عذاب خوار كننده اى آماده شده است. )12

5 ـ سنت مصايب و شدايد

يكى ديگر از سنت هاى الهى اين است كه خداوند انسان ها را براى ايجاد آمادگى پذيرش دعوت انبيا, به مشكلات و مصيبت ها گرفتار مى كند. در قرآن آمده است: (هر آينه بر امت هاى پيش از تو نيز پيامبرانى فرستاديم و آنان را به سختى ها و تنگ دستى ها دچار كرديم تا شايد تضرع كنند. )13

سختى ها و مصايب معمولاً زمينه را مساعد مى سازد تا انسان به نيازمندى خود بيشتر توجه كرده, دست از غرور و سركشى بردارد و با خضوع قلبى, از دعوت انبيا بيشتر استقبال كند. بعضى از اين مصيبت ها و شدايد عبارت اند از:

1 ـ بلاهايى كه معلول عملكرد خود انسان است;

2 ـ بلاهايى كه معلول عملكرد پدران و مادران است;

3 ـ بلاهايى كه براى كفاره گناهان پيش مى آيد;

4 ـ بلاهايى كه در اثر آثار وضعى گناه متوجه ما مى شود;

5 ـ بلاهايى كه براى بيدار شدن مردم و غفلت زدايى است;

6 ـ بلا براى آزمايش;

7 ـ بلا و مصيبت براى انبيا و اوليا براى اضافه شدن درجات اخروى آنان.

حضرت على$ مى فرمايد: (بلا براى ظالم, ادب و براى مؤمن, امتحان و براى اولياى خدا, درجه است. )14

حضرت امام باقر$ مى فرمايد: (خداوند از بنده مؤمنش دلجويى و به او بلا هديه مى كند; همان طور كه مرد در سفر براى خانواده اش هديه مى فرستد. )15

6 ـ حاكميت صالحان

حاكميت صالحان و تقوا پيشگان,16 مؤمنان,17 پيروزى حق بر باطل18 و پيروى دين اسلام,19 از جمله وعده هاى خداوند است كه همگى حاكى از وضعيت آينده بشر مى باشد.

7 ـ سنت الهى در باره حيله گران

اين سنت بدين گونه است كه:

الف) خداوند به اقتضاى مكرشان به آنها جزا مى دهد: (سوره اعراف, آيه 99).

ب) وبال نيرنگ جز به اهلش فرود نمى آيد: (سوره فاطر, آيات 42 ـ 43).

ج) نيرنگ بازان, هم در دنيا و هم در آخرت عذاب مى بينند: (سوره رعد, آيات 33 ـ 34).

د) حيله گران عذاب الهى را از آن جا دريافت مى كنند كه به گمانشان هم نمى رسد: (سوره نحل, آيه 26).

8 ـ سنت الهى در باره توكل كنندگان

از آيات دوم و سوم سوره طلاق استفاده مى شود كه به دنبال توكل, عنايت پروردگار, قطعى است. هر كس حقيقتاً به خدا توكل كند, عنايت او را به دنبال دارد و با عنايت و تأييد خداوند رسيدن به هدف, حتمى است.

9 ـ سنت الهى در مورد فسق و گناه

طبق سنت الهى, هر كس گناهى مرتكب شود, به سزاى آن خواهد رسيد: (سوره نساء, آيه 123). همچنين گناه و فساد اخلاق, موجب سقوط جامعه است: (سوره هود, آيه 116; سوره انبياء, آيه 13; سوره مؤمنون, آيات 33 و 64).

البته گاهى خداوند به فضل خويش از برخى گناهان مى گذرد و گاهى از ميزان كيفر مى كاهد, اما هرگز بنده اى را بيشتر از آنچه كرده است عذاب نمى كند: (سوره غافر, آيه 40); با وجود اين, اگر سركشى مردم از حد بگذرد, خداوند متعال آنان را نابود مى كند; (سوره انعام, آيه 6).

همچنين ارتكاب گناه مايه ضعف ايمان: (سوره آل عمران, آيه 155) و ابتلا به مصيبت هاى گوناگون است: (سوره شورى, آيه 30).

10 ـ سنت الهى در مورد رزق بندگان

سنت الهى در باره رزق بندگان اين است كه بايد آنان در طلب رزق بكوشند و اسباب به دست آوردن آن را فراهم نمايند. خداوند چنين مقرر داشته كه به مؤمن و كافر روزى مى دهد, اما در اندازه آن تفاوت وجود دارد.

ييكى از حكمت هاى تفاوت رزق و روزى بندگان آن است كه مردم به يكديگر خدمت كنند و بدين وسيله دوستى ها و رابطه ها برقرار شود. دليل ديگر آن كه از سركشى و تجاوز مردم در روى زمين جلوگيرى گردد. مؤمنان از اين تفاوت ها آزرده نمى شوند, چون مى دانند دنيا و آنچه در آن است, فانى و ناپايدار مى باشد. اگر صاحب مال و مكنتى شوند, وظيفه دارند به نيازمندان انفاق كنند, زيرا خود را امانت دار مال خود مى دانند; اما اگر به اقتضاى سنت الهى و بر اساس حكمت ربوبى, روزى بر آنان تنگ شد, مى دانند كه زيادى يا كمى روزى بندگان, نشانه شايستگى و منزلت آنان در نزد خدا نيست.20

11 ـ سنت الهى در مورد ترك كنندگان امر به معروف و نهى از منكر

حضرت على$ مى فرمايد: (خداوند سبحان گذشتگان را از رحمت خود محروم نساخت, مگر به دليل آن كه امر به معروف و نهى از منكر را ترك كردند; افراد نادان به دليل آلودگى به گناه و دانشمندان به دليل آن كه بر آن وضع انتقاد نكرده و موضعگيرى نكردند.)21

12 ـ سنت الهى در مورد عهد شكنى, داورى به غير حكم خداوند, فحشا و كم فروشى

وقتى سوره مطففين نازل شد و پيامبر اكرم(صلى الله عليه و آله)آن را براى اهل مدينه تلاوت كرد, فرمود: پنج چيز در برابر پنج چيز است:

الف) هيچ قومى عهد شكنى نكردند, مگر اين كه خداوند دشمنانشان را بر آنها مسلط ساخت;

ب) هيچ جمعيتى به غير فرمان الهى حكم نكردند, مگر اين كه فقر در ميان آنها زياد شد;

ج) در ميان هيچ ملتى فحشا ظاهر نشد, مگر اين كه مرگ و مير در ميان آنها فراوان گشت;

د) هيچ گروهى كم فروشى نكردند, مگر اين كه زراعت آنها از بين رفت و قحطى ايشان را فرا گرفت;

هـ) و هيچ قومى زكات را منع نكردند, مگر اين كه باران از آنها قطع شد.22

13 ـ ساده لوحى و جهل مردم, مناسب ترين راه نفوذ دشمن

اگر سرگذشت انبيا را در قرآن مطالعه كنيم مى بينيم دشمنان آنها از جهل و ساده لوحى مردم حداكثر استفاده را برده اند و به اين دليل, طاغوتيان و مستبدان همواره خواسته اند مردم در جهل و نادانى باقى بمانند.

14 ـ گناه, موجب سلب نعمت است

امام صادق ( عليه السلام ) فرمود: (خداوند هيچ نعمتى را از بنده اى نمى گيرد, مگر اين كه گناه كند و مستحق سلب آن نعمت شود. )23

15 ـ حيات و مرگ ملت ها

ييكى ديگر از سنت هاى تغييرناپذير الهى در جوامع بشرى اين است كه هيچ قومى به خوش بختى يا بدبختى نمى رسد, مگر اين كه خود عوامل سعادت و يا شقاوت را به دست خويش فراهم سازد; يعنى هرگونه تغيير و دگرگونى در سرنوشت ملت ها, در درجه اول به خود آنها برمى گردد: (ان الله لا يغير ما بقوم حتى يغيروا ما بانفسهم;24 خداوند وضع هيچ ملتى را عوض نمى كند, مگر اين كه خودشان تغييرى در آن ايجاد كنند. )

16 ـ نابودى ظالمان به دست ظلم ستيزان

اقتضاى سنت الهى اين است كه ظالمان به دست ظلم ستيزان از بين بروند. بنابر اين تنها كسانى مى توانند از عقوبت الهى ايمن بمانند كه موارد ذيل را رعايت كنند:

الف) با ظلم و ظالم به مبارزه برخيزند;

ب) ستم را نپذيرند و در صدد انتقام بر آيند: (سوره شورى, آيه 39);

د) ظالمان را يارى نكنند: (سوره قصص, آيات 8 ـ 40 ; سوره الذاريات, آيه 40).

پى نوشت ها:

1ـ لغت نامه دهخدا, واژه سنت.

2ـ بهاءالدين خرمشاهى, دانشنامه قرآن, ج 2, ص 1221.

3ـ ناصر مكارم شيرازى, تفسير نمونه, ج 7, ص 209.

4ـ همان.

5ـ بهاء الدين خرمشاهى, همان.

6ـ عنكبوت (29) آيه 1.

7ـ محمد تقى مصباح يزدى, جامعه و تاريخ

از ديدگاه قرآن, ص 433, با اندكى تغيير.

8ـ طه (20) آيه 50.

9ـ نحل (16) آيه 36.

10ـ شورى (42) آيه 20.

11ـ فرهنگ معين, واژه امهال.

12ـ آل عمران (3) آيه 178.

13ـ انعام (6) آيه 42.

14ـ نهج البلاغه.

15ـ بحار الانوار, ج 15, ص 55.

16ـ طه (20) آيه 132.

17ـ نور (24) آيه 55.

18ـ انبياء (21) آيه 18.

19ـ توبه (9) آيه 33.

20ـ برداشت از: بهاء الدين خرمشاهى, همان, ص 1222 ـ 1226.

21ـ نهج البلاغه فيض الاسلام, خطبه 234.

22ـ فخر رازى, تفسير كبير, ج 30, ص 88.

23ـ ناصر مكارم شيرازى, همان, ص 213.

24ـ رعد (13) آيه 11.